



تضعیف قدرت ژئوپلیتیکی اروپا

اروپا فلج شده است؛ چشم‌انداز استراتژیک در این قاره وجود ندارد، ظهور نیروهای راست افراطی و کاهش طول عمر دولت‌ها به یک چالش جدی بدل شده و مشکلات اقتصادی روزبه‌روز بیشتر شده است. برای آنکه اتحادیه اروپا به جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی خود برسد، کشورهای عضو ابتدا باید به نگرانی‌های روزمره شهروندان‌شان پاسخ دهند.

اواسط اکتبر برای چهارمین بار از زمان بازگشت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به کاخ سفید، موضع او درباره تهاجم روسیه به اوکراین در دیدار با ژلنسکی، هم‌نایان اروپایی‌اش را در شوک و بهت فرو برد. رهبران اروپایی از قبل حدس می‌زدند ترامپ ترجیح می‌دهد به جای افزایش فشار بر روسیه، اوکراین را برای چشم‌پوشی از تمامیت ارضی خود تحت فشار بگذارد. اما سناریوی واقع‌بینانه‌تر این است که این وضعیت، جلوه دیگری از فقدان چشم‌انداز استراتژیک کلانی است که این اتحادیه رافلج کرده است.

بحران اروپا عمیق‌تر از ناتوانی در تصور حفظ امنیت، خارج از چارچوب ناتوی تحت سلطه آمریکاست. برای آنکه این اتحادیه در نظم جدید جهانی به حاشیه رانده نشود، بیست و هفت کشور عضو باید بپذیرند که یک سیاست امنیتی جدید و واحد تعریف کنند؛ آن هم در شرایطی که بیشترشان در حال تجربه یک چندپارگی سیاسی داخلی بی‌سابقه هستند. بنابراین، نبود اراده سیاسی یا شجاعت برای انجام اقدامات امنیتی جسورانه، تقریباً اجتناب‌ناپذیر است.

نکته دیگر این است که احزاب غیرلیبرال و طرفدار روسیه، درست زمانی در حال قدرت گرفتن هستند که مسکو در حال تشدید جنگ ترکیبی خود علیه اتحادیه اروپاست. سراسر اتحادیه اروپا پر از دولت‌های اقلیتی و ناتوان در پیشبرد برنامه‌ها و اهداف است. احزاب لیبرال دموکرات دیگر صحنه‌گردان اصلی نیستند، بلکه عمدتاً در موضع دفاعی قرار گرفته‌اند و تلاش می‌کنند خود را به احزاب راست افراطی با اعتماد به نفسی برسانند که ایده‌هایشان در افکار عمومی نفوذ کرده است.

در دو ستون اصلی اتحادیه اروپا، فرانسه و آلمان - پیوپولست‌های ملی‌گرا اکنون نماینده‌ی بیش از یک چهارم رأی‌دهندگان هستند. در آلمان، حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» دومین نیروی سیاسی قدرتمند است. در فرانسه، «اجتماع ملی» نهمین ۳۳ درصد آرا در نظرسنجی‌ها پیشتر است، بلکه با رقیب دوم خود نیز اختلاف دورقمی دارد. در هر دو کشور، دولت‌ها برای مقابله مؤثر با مسائلی که شهروندان بیشترین تأثیر را از آن‌ها می‌پذیرند (مانند هزینه‌های زندگی، امنیت و تحولات اقتصادی وزیست‌محیطی) با مشکل مواجه‌اند. در هفت کشور عضو دیگر، احزاب راست افراطی یا در ائتلاف‌های حاکم حضور دارند یا از دولت‌ها حمایت می‌کنند: کرواسی، فنلاند، مجارستان، ایتالیا، هلند، اسلوواکی و سوئد. در لهستان، که یک بازیگر حیاتی در دفاع اروپاست، دولت محافظه‌کار دونالد توسک به دلیل اختلافات با رئیس‌جمهور تحت حمایت راست افراطی، فلج شده است. در اتریش، راست افراطی، اگرچه در اپوزیسیون است، اما حزب مسلط محسوب می‌شود. هلند و اسپانیای نیز دولت‌های ناکارآمدی دارند.

با در نظر گرفتن همه اینها، جای تعجب نیست که اروپا نتوانسته است موضع استراتژیک و قدرت‌صنعتی و مالی خود را به اندازه‌ای سریع بازسازی کند که با فروپاشی نظم جهانی همگام شود. اما، با اینکه زمان رو به اتمام است، هنوز فرصت به طور کامل از دست نرفته است. از سال ۲۰۲۲، اتحادیه اروپا - علی‌رغم تمام مشکلات - توانسته گام‌هایی بردارد که اگر تحولات ژئوپلیتیکی از آن پیشی نگرفته بود، انقلابی تلقی می‌شد.

ترامپ می‌تواند به یک فرصت تبدیل شود. بخشی از پایگاه سیاسی او در آمریکا از استقلال استراتژیک اروپا، چه نظامی و چه صنعتی، استقبال می‌کند؛ امری که در مورد هیچ دولت دیگری در آمریکا صادق نبوده است. دولت‌های قبلی هم‌زمان اروپایی‌ها را به دلیل عدم مشارکت کافی در دفاع سرزنش می‌کردند، اما به شدت اصرار داشتند که اروپا به خریدهای انبوه تسلیحات آمریکایی ادامه دهد.

اساساً، موضوع بازگشت به اصول اولیه است. اتحادیه اروپا و دولت‌های ملی باید برای ارائه راه‌حل‌های سریع و مؤثر به مشکلات روزمره شهروندان خود در زمینه‌های ایجاد شغل، رشد اقتصادی و امنیت (چه فیزیکی و چه فرهنگی در قبال مهاجرت) جدی باشند. این تنها راهی است که می‌توانند رضایت مردم را برای فداکاری‌های بودجه‌ای اجتناب‌ناپذیری که برای تأمین مالی انقلاب دفاعی لازم است، جلب کنند. موتور ژئوپلیتیکی اتحادیه اروپا نمی‌تواند با تمام ظرفیت کار کند، اگر چرخ‌خنده‌های سیاسی داخلی آن دامن‌گیر کرده باشند.



AFP: تکس

تجربه موفق مداخله

انتخابات آرژانتین نشان داد که واشنگتن بیش از پیش بر تق

مداخله و تهدید ترامپ به قطع کمک‌های اقتصادی، مشابه اتفاقی که پس از تلاش‌های دولت ترامپ برای جلوگیری از محاکمه ژانیه بولسانارو رئیس‌جمهور سابق برزیل رخ داد، با واکنشی منفی از سوی رای‌دهندگان مواجه شود. اما یکشنبه شب، نشانه‌چندانی از این واکنش منفی در میان رأی‌دهندگان دیده نشد. حتی برخی گمان می‌کردند که این اهرم فشار، با تأثیرگذاری بر تصمیم رأی‌دهندگان، مؤثر واقع شده است. دیه‌گو گونزالز، سیاستمدار آرژانتینی و سفیر سابق این کشور در چین و ایالات متحده، معتقد است این «مداخله مستقیم» رئیس‌جمهور آمریکا، هرچند «وحشتناک» بود، اما کارساز افتاد و رأی‌دهندگان «نیاز به کمک آمریکا» را پذیرفته و بحران اقتصادی را به گردن مخالفان آمریکائیانداخته‌اند.

برایان وینتر، کارشناس امور آرژانتین و سردبیر مجله «امریکا کوارترلی» گفت: «این اقدام، یک شاهکار از سوی دونالد ترامپ به نظر می‌رسد. او در لحظه مناسب، طناب نجاتی برای کسی که در حال غرق شدن بود، انداخت.» وینتر باور دارد هنوز زود است که میزان دقیق تأثیر بسته نجات ۴۰ میلیارد دلاری ترامپ بر نتیجه انتخابات را سنجید؛ «به هر روی با توجه به سازوکار سیاست، این پیروزی به حساب ترامپ نوشته خواهد شد. این اقدام مانند یک شرط‌بندی جسورانه بود که نتیجه داد. این دولت آمریکا بیش از هر دولت دیگری در تاریخ معاصر آمریکا از ابزار چماق و هوپج در آمریکای لاتین بهره‌می‌گیرد.»

این تنها مداخله آمریکان بود

دولت ترامپ هم‌زمان با مداخله به نفع متحدان راست‌گرای خود در آرژانتین و کمک اقتصادی و سیاسی به خاورمیله، تلاش دارد تا با اعمال فشار بر دولت‌های چپ‌گرای منطقه، آن‌ها را تضعیف کرده و شرایط را برای سرنگونی این دولت‌ها یا جایگزینی آن‌ها با دولت‌های راست‌گرا در انتخابات‌های آتی فراهم کند.

این رویکرد که به صراحت به عنوان احیای دکترین مونرو و «بازگرداندن نیمکره» به حوزه نفوذ ایالات متحده توصیف می‌شود، کمتر از اهداف سنتی سیاست خارجی و بیشتر از ترکیبی پیچیده از محاسبات سیاسی داخلی، اعتقادات ایدئولوژیک و رویکرد شخصی مقام‌های ارشد دولت ترامپ به روابط بین‌الملل نشأت می‌گیرد.

در موضوع ونزوئلا، در ماه ژانویه، درست پیش از آنکه مارکو روبیو در اولین سفر خود به عنوان وزیر امور خارجه به چند کشور آمریکای لاتین برود، ریچارد گرنل که به عنوان «فرستاده ویژه ریاست‌جمهوری در امور مأموریت‌های خاص» مستقیماً به ترامپ گزارش می‌دهد و نه به روبیو، به کاراکاس سفر کرد و شخصاً دیداری با نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا داشت. مذاکرات گرنل با مادورو نشان داد که

سفید نیز معتقد بود نتایج انتخابات آرژانتین نشان‌دهنده موفقیت بزرگ سیاست‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در آمریکای لاتین است.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا روز دوشنبه ۲۷ اکتبر در پستی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) نوشت: «آرژانتین یکی از کلیدی‌ترین متحدان ایالات متحده در آمریکای لاتین است. نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای پارلمان این کشور نمونه‌بارزی از موفقیت سیاست پیشبرد صلح از طریق قدرت اقتصادی به حساب می‌آید. ما مشتاقانه منتظر گام‌های مستمر به سوی آزادی اقتصادی هستیم که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینان را جذب کرده و رفاه را برای مردم آرژانتین به ارمغان بیاورد.»

ترامپ نیز که به شرق آسیا سفر کرده است در رابطه با این پیروزی گفت: «او [خاویر میلی] کمک زیادی از ما گرفت. ما در حال افزایش قابل توجه نفوذ خود در آمریکای لاتین هستیم.»

آمریکا چطور در انتخابات آرژانتین مداخله کرد؟

ادعای ترامپ در خصوص کمک کاخ سفید به خاورمیله برای پیروزی در انتخابات، تا حد زیادی واقعیت دارد. در حالی که آرژانتین در ماه‌های گذشته مشکلات زیادی را در حوزه ارزی تجربه می‌کرد و ارزش یزو با سرعت زیادی کاهش می‌یافت، وزارت خزانه‌داری آمریکا پیشنهاد ارائه بسته کمکی ۴۰ میلیارد دلاری را به آرژانتین ارائه داد. به گفته وزیر خزانه‌داری آمریکا، این بسته شامل توافق سوآپ ارزی سه ارز ۲۰ میلیارد دلار و همچنین طرح ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری پدھی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار بود.

ترامپ به نوعی این حمایت اقتصادی را به پیروزی حزب میلی در انتخابات مشروط کرده بود: «اگر او بیازد، ما با آرژانتین سخاوتمند نخواهیم بود.»

نشریه گاردین، روز سه‌شنبه ۲۸ اکتبر در تحلیلی نوشت: «دونالد ترامپ در سال ۱۹۸۷ در کتاب پرفروش هنر معامله‌نویشت که دلار در نهایت همیشه حرف خودش را می‌زند. پیروزی غافلگیرکننده خاویر میلی در انتخابات میان‌دوره‌ای آرژانتین، آن هم پس از آنکه ترامپ با تزریق ۴۰ میلیارد دلار او را از مخمصه نجات داد، شاید گواهی بر درستی همین ادعا باشد. رئیس‌جمهور آمریکا تهدید کرده بود که اگر این لیبرترین رادیکال، در رأی‌گیری سرنوشت‌ساز روز یکشنبه شکست بخورد، متحد خود در آمریکای جنوبی را رها خواهد کرد. ترامپ زمانی که رئیس‌جمهور آرژانتین اوایل این ماه برای درخواست کمک اقتصادی به واشنگتن سفر کرده بود، این موضوع را به صراحت بیان کرد. «مخالفان میلی، ترامپ را به مداخله آشکار در روند انتخابات آرژانتین متهم می‌کنند. برخی از آن‌ها پیش‌بینی می‌کردند که این



این تنها میلی و راست‌گرایان آرژانتینی نبودند که پیروزی در انتخابات میان‌دوره‌ای پارلمان آرژانتین را پیروزی خود می‌دانستند. ۸۰۰۰ کیلومتر آن سوتر از بوینس آیرس در واشنگتن دی‌سی، کاخ سفید نیز معتقد بود نتایج انتخابات آرژانتین نشان‌دهنده موفقیت بزرگ سیاست‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در آمریکای لاتین است